

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

حفظ عنایات حسینی به مدد الهی

الان در ساعات عجیبی هستیم! نگاهی بیندازید به کربلا و وقایعی که تا این لحظه رخ داده است؛ نماز جماعتی که ظهر برگزار شد و شهدایی که در جریان همین نماز به شهادت رسیدند؛ و همین‌طور وقایع دو سه ساعت بعد، شاید سه چهار ساعت بعد از ظهر، که منجر به شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام شد. در خانه‌ی امام عصر ارزوتی هستیم؛ دیروز و پریروز هم عرض کردم، لطیف‌ترین قلب عالم، قلب مقدّس امام عصر ارزوتی است؛ حسّاس‌ترین مخلوق جهان آفرینش، وجود مقدّس امام عصر ارزوتی است. ما حادثه‌ها را ممکن است بشنویم؛ یا ممکن است کسی اهل مکا شفه باشد و با مکا شفه حادثه‌ها را در درون خودش تجسّم کند و ببیند؛ اما این خیلی فرق می‌کند با آن وجود مقدّسی که صاحب زمان است و مسلّط بر عالم زمان. ایشان در آن واحد در همه‌ی لحظه‌ها حضور دارند؛ همان‌طور که در آن واحد، در همه‌ی مکان‌ها حضور دارند. خلیفه‌الله و مظهر تامّ صفات الهی هستند. خدای متعال همه جا هست؛ همیشه هم هست. ایشان هم قائم مقام خداست؛ به اذن‌الله همیشه هست و همه جا هست. لذاست که حضرت در صحنه‌ی کربلا حضور دارند؛ وقایع را مستقیماً می‌بینند و شاهدند. حالا آن لطیف‌ترین قلب هستی، این عظیم‌ترین مصیبت و ضایعه را دارند متحمّل می‌شوند. لذا قلب حضرت خیلی در فشار است. از پریشب به رفقاً توصیه کرده‌ام، همه صدقه کنار بگذارند و ان‌شاءالله همه برای این کار موقّق بوده‌اند؛ برای اینکه این قلب مقدّس، زیر این فشار داغ‌ها آسیب نبیند.

به هر تقدیر این ضایعه‌ی عظمی و مصیبت کبری را به محضر حضرت بقیة‌الله ارواحنا‌لتراب مقدمه‌الفداء تسلیت می‌گوییم. به همه‌ی شما عرض می‌کنم که ان‌شاءالله عزاداری‌هایتان قبول و مطمئن باشید که قبول

شد؛ یقین داشته باشید مقبول واقع شد. این‌گونه نیست که خدای متعال توفیق انجام کاری را بدهد و بنا را به آن گذاشته باشد که قبول نکند. اگر انسان موفق به عملی شد، یقین کند که آن عمل مقبول الهی است؛ تردید نکند. چون همین شک سبب عدم مقبولیت است. همین‌که ما رحمت و فضل و عنایت خدا را به قیدی از قیود محدود و مقید کردیم، خودمان را محروم کرده‌ایم. مثلاً بگوییم: ما آلوده‌ایم؛ خدا عمل انسان‌های آلوده را قبول نمی‌کند. همین‌جا خودمان قید زدیم؛ خودمان را محروم کردیم. فضل خدا فضل بی‌منتهاست! فضل بی‌شرط و غیرمقید است؛ نامحدود است. اگر ما شک نکنیم در مقبول شدن، مقبول است. البته قبلاً مفصل عرض کرده‌ام؛ دیگر نمی‌خواهم وارد این بحث‌ها بشوم. روایت داریم روز عرفه، در صحرای عرفات تنها کسی که مشمول بخشش الهی قرار نمی‌گیرد، کسی است که تردید می‌کند آیا ممکن است من هم بخشیده شده باشم؟!^۱ همین انسان از بخشش محروم شد و الا هرکس در صحرای عرفات هست، مشمول غفران و رحمت الهی قرار می‌گیرد.

بنابراین در اینکه این عمل قبول شده است، تردید نکنید. منتها نکته‌ای را شاید از سی‌وچند سال قبل یادم آمد؛ روز عاشورا منزل آقامیرزا اسماعیل اربابی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، این پیر باصفا و نورانی بودیم که خانه‌اش حسینیّه و تکیه بود و سالیان سال در آن مراسم عزاداری برگزار می‌شد. در طول هفته و سال مجالس روضه داشت؛ در این ایام هم تکیه بود و جمعیت زیادی می‌آمدند. ظهر عاشورا بود. مراسم که تمام شد، مردم پذیرایی شدند، ناهاری خوردند، کم‌کم شروع به رفتن کردند و خلوت شده بود. چند نفری دور آقامیرزا اسماعیل اربابی رحمته‌الله مانده بودیم. ایشان فرمودند: کارهایی که همه اینجا کردند، این سینه‌زنی‌ها، این عزاداری‌ها، این اشک‌ها، همه‌اش مقبول شد؛ منتها به تعبیر ایشان، به شرطی که نفتالین بزنند که اینها را بید نخورد. یعنی این عنایتی را که شده است، حفظش کنند.

۱. **أَعْظَمُ أَهْلِ عَرَفَاتٍ جُرْمًا مَنْ انْتَصَرَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَنْ يُغْفَرَ لَهُ:** ابن‌حیون، دعائم‌الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۶، ص

۲۴۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۹.

عنایت خیلی بزرگی شده است. خدا می‌داند که همین عنایتی که امروز نصیب ما شد چقدر بزرگ بود؛ بزرگی آن از فهم ما بزرگتر است و نمی‌توانیم تصوّر کنیم. منتها اینکه شما در زیارت عاشورا چند جا می‌گوئید: **ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ**: خدایا مرا در این راه ثابت قدم بدار. همین که من را موقّق کردی، عنایت خودت بود؛ توفیقی بود که تو به من دادی؛ من کجا و خیمه‌ی اباعبدالله‌الحسین علیه السلام کجا؟! من کجا و عزاداری برای اباعبدالله‌الحسین علیه السلام کجا؟! این مقام انبیاء و اولیاء است؛ مقام مقربان درگاه الهی است. با فضل و عنایتت مرا موقّق کردی. حالا که موقّم کردی، مرا ثابت‌قدم بدار. عنایت کن که من این را مفت نبازم. شیطان در کمین نشسته است که بیاید و این را از دستم بقاپد. خدایا این فضای لطیف و این روحیه‌ی نورانی را [برایم حفظ بفرما]. الآن قلب‌های همه سرشار از نور اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است؛ نور اباعبدالله علیه السلام هم عین نور خداست! اباعبدالله علیه السلام که شخصیت علی‌حده‌ای در برابر خدا ندارد؛ تجلّی تامّ حقّ متعال است. قلب‌ها پر از نور خداست؛ ان‌شاءالله این را حفظ کنیم و غافل نشویم؛ از دستش ندهیم؛ این را از خدا بخواهیم. ببینید باز، ما هنر اینکه حفظش هم نکنیم، نداریم. ما هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید؛ هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید! حیف است! این عنایتی را هم که دادند خودمان نمی‌توانیم حفظش کنیم. عقلمان نمی‌رسد؛ شیطان می‌آید و سر کوجه به یک آب‌نبات چوبی از دستمان می‌گیرد. این است که باید از خودش بخواهیم. می‌گوییم: خودت دادی؛ خودت هم توفیق حفظش را به ما بده. توفیق بده غافل نشویم؛ توفیق بده بی‌توجه نشویم؛ دنیا ما را غافل نکند؛ نفریبد. این عنایتی که کردی را از دستمان نقاپد. **ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ**.^۲ باور کنید الآن زیر خیمه‌ی اباعبدالله علیه السلام هستیم. باور کنید الآن ما جزء یاران و اصحاب اباعبدالله علیه السلام هستیم.

در اربعین یادتان هست، گفتیم: جابر بن عبدالله انصاری با عطیه برای زیارت اربعین مرقد مطهر اباعبدالله علیه السلام به کربلا آمدند. عطیه خودش یک مفسّر، محدّث و عالم بزرگ است که در خدمت جابر

^۲. محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت‌عاشورا؛ ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۷۹ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۳.

برای زیارت اربعین به کربلا آمد. جابر جمله‌ایی گفت که حتی این مفسر و عالم بزرگ هم نتوانست هضم کند! جابر گفت: ما در ثواب و اجر اباعبدالله علیه السلام و یارانش سهیم هستیم! عطیه تعجب کرد؛ جابر این چه حرفی است که می‌زنی؟! آنها به خاطر خدا از خانه و زندگی خود آواره‌ی بیابان و دشت شدند؛ به خاطر خدا این همه داغ دیدند؛ تیغ و تیرها تحمل کردند؛ ما اینها را متحمل نشدیم. جابر گفت: عطیه من از حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: اگر کسی به عمل قومی راضی باشد، در عمل آن قوم شریک است^۳ و خدا شاهد است که ما به عمل اباعبدالله علیه السلام و اصحاب و یارانش راضی هستیم؛ بنابراین ما هم سهیم هستیم.

پس تردید نکنید که جزء یاران اباعبدالله علیه السلام هستیم. می‌دانیم که روز عاشورا سی‌وسه یا سی‌وچهار نفر از لشکر عمر سعد آمدند و به اباعبدالله علیه السلام ملحق شدند. روز عاشورا!

اولاً ببینید شب عاشورا چند نفر برای اباعبدالله علیه السلام مانده بود که با این سی‌وچند نفر تازه شدند هفتاد و دو نفر! شب عاشورا شاید چهل نفر بیشتر دور اباعبدالله علیه السلام نبودند؛ هفده یا هجده نفر شان که بنی هاشم بودند؛ فکر کنید [بقیه] چند نفر بودند؟! ولی می‌خواهم این را عرض کنم که می‌شود روز عاشورا هم به امام حسین علیه السلام پیوست؛ می‌شود آمد و به لشکر اباعبدالله علیه السلام ملحق شد. لشکر عمر سعد لشکر دنیاست؛ لشکر دنیاطلبی است و لشکر اباعبدالله علیه السلام لشکر خداست. می‌شود از دنیا به سمت خدا رفت؛ می‌شود از عمر سعد به سمت امام حسین علیه السلام رفت؛ حتی روز عاشورا چند ساعت مانده به شهادت! می‌دانید که حتی بعد از شهادت اباعبدالله علیه السلام هم، دو نفر از لشکر عمر سعد آمدند؛ به لشکر خود پشت کردند و با آنها جنگیدند و شهید شدند؛ یعنی تا اینجا راه هست برای برگشتن! فضل خدا، لطف خدا و رحمت خدا بی‌منتهاست.

۳. **مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا خَيْرَ مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ.** مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۱ و نوری، مستدرک الوسائل، ج

یادم است، یکبار که کربلا در خیمه‌گاه بودیم، به رفقا عرض کردم: جمع زیادی از اصحاب اباعبدالله علیه السلام از لشکر عمر سعد جدا شدند، در خیمه‌گاه نزد اباعبدالله علیه السلام آمدند و پیوستند. بعد به رفقا عرض کردم: ببینید ما هم الآن آمدیم کربلا؛ آمدیم در خیمه‌گاه؛ ما هم از دنیا کنسیم دیگر. آمدیم به لشکر اباعبدالله علیه السلام ملحق شدیم؛ عنایت بزرگی است. امیدواریم این عنایت را قدر بدانیم و وقتی قدر دانستیم، بیشتر دلمان می‌خواهد محفوظ بماند. جدی‌تر از خدا می‌خواهیم که: خدایا! حواسمان پرت نشود؛ کمکمان کن! این عنایت، لطف و عطای بزرگی که به ما کردی، ما را آوردی در این اقیانوس حسینی، شستشو دادی، [توفیق حفظش را به ما بده]. حقیقت حوض کوثر همین‌جاست که الآن در آن هستیم. داریم که مؤمن در قیامت که او را در حوض کوثر شستشو می‌دهند، بعد پاک می‌شود و بیرون می‌آید، هفتاد حله‌ی بهشتی برتنش می‌کنند، تازه از این طرف و آن طرفش پیداست!^۴ یعنی این قدر وجود مؤمن مثل شیشه شفاف شده است! حوض کوثر همین‌جاست. آمدیم توی حوض کوثر؛ عنایت کرد. هر چه آلودگی هم اگر کسی داشت، اصلاً فراموش کند؛ پاک شده است؛ پاک پاک. منتها پاک نگه دارید؛ قدر بدانید. از خدا بخواهید: خدایا! خودت عنایت کردی، خودت هم توفیق حفظش را بده. خودت ما را در راه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام ثابت قدم بدار! دوباره مُلک ری به ما چشمک نزن؛ دوباره گندم ری دل ما را نبرد. دنیا خیلی فریبکار است. عرض کرده‌ام، تعدادی از لشکر عمر سعد که به درک واصل شده بودند، روز عاشورا موقعی که می‌خواستند دفنشان کنند، توی جیب اینها حواله‌ی یک من جو پیدا کردند؛ یعنی بشر چقدر بدبخت هست! به خاطر یک من جو، آمده ولی خدا را کشته است! دنیا خیلی فریبکار است. بخواهید: خدایا! نگذار فریبکاری‌های دنیا دل ما را برآید و ما را از حسین علیه السلام جدا کند. خدای ناکرده رو در روی حسین علیه السلام بایستیم! خدایا! ممنونت هستیم؛ در خانه‌ی حجت ارواحنا، در روز عاشورا توفیق دادی، برای عرض تسلیت به محضر مقدس بقیه‌الله ارواحنا آمدیم. خدایا! شاکریم که این نعمت ولایت را،

۴. طیب، مهدی، مصباح‌الهدی، ص ۱۱۶ (شبیبه این مطلب).

نعمت محبت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، را در تکوین ما قرار دادی. **إِنَّ لِلْحُسَيْنِ حَبَّةً مَكْنُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ**^۵

برای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) یک محبت مکنونه‌ایی است در قلوب مؤمنین؛ در تکوینشان قرار داده شده است. مکنون و مخفی است در باطن همه‌ی مؤمنین و انشاءالله این گرد و خاک و خاکستری که رویش نشسته است، کنار رود، شعله می‌زند و هر چه غیر خداست را می‌سوزاند؛ هر چه غیر خداست را می‌سوزاند! لذا خدمتتان عرض کرده‌ایم، روز عاشورا روز ظهور حقیقت حق متعال است. در روز عاشورا هر چی غیر خداست رفت، نور خدا درخشید! برایتان مثال زده‌ام، سیم منفی و مثبت برق را که بهم نزدیک کنید چه اتفاقی می‌افتد؟! جرقه می‌زند نه! نور خلق می‌شود. روز عاشورا این سیم مثبت و منفی بهم خورد؛ جرقه‌ای زد که حقیقت حق را آشکار کرد و به نمایش گذاشت. شاکریم خدایا! عنایت کردی، ما را با حقیقت ولایت آشنا کردی. قلب ما را خانه‌ی محبت خودت و اولیاء خودت قرار دادی. خدایا! ممنونت هستیم. این عطایی را که کردی، خودت هم حفظ کن؛ ما شعورش را نداریم، فهمش را نداریم، مفت می‌بازیم. قیمتش را نمی‌دانیم و لذا ممکن است شیطان و دنیا به ثمن بخری از چنگمان در بیاورد. خدایا! خودت ما را ثابت‌قدم در راه اباعبدالله (علیه السلام) قرار بده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۵ کورانی عاملی، حق‌المبین، ص ۵۸۸ و مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۳۷۴.